

فلسفه آفرینش انسان و جهان

از دیدگاه قرآن

هدف و فلسفه آفرینش، از مسایل و پرسش‌هایی است که از دیرباز، همواره برای انسان، مطرح بوده است. از طرف اندیشمندان مختلف، اهدافی برای آفرینش عنوان شده و سخنان مختلفی گفته شده است. اما قرآن هدف خاص و روشنی برای آفرینش انسان و جهان معرفی کرده است که در این مقاله، به اختصار مطرح می‌شود.

روزها فکر من این است و همه شب سخنم

که چرا خاقل از احوال دل خویشتم

مانده‌ام سخت عجب کز چه سبب ساخت مرا

یا چه بوده است مراد وی از این ساختنم

(مولوی)

صاحبان خرد و اندیشه - از

دیرباز - پاسخ‌های گوناگونی به آن

داده‌اند با این تفاوت که پاسخ‌هایی که

اندیشمندان غربی تا پیش از قرن هفدهم

یکی از اساسی‌ترین پرسش‌هایی

که گاه ذهن هر فرد را به خویشتن

مشغول می‌سازد این است که چرا

خداوند ما را آفریده است؟

میلادی به آن می‌دادند عمیق‌تر و جامع‌تر و بعد از آن به هلت افزایش روابط بشر با طبیعت، سطحی‌تر و عامیانه‌تر می‌باشد؛ اما فلاسفه و اندیشمندان اسلامی پاسخ‌های بنیادی بر اساس آموزه‌های قرآنی داده‌اند.

در این میان بدیبنانی همانند بودا، مانی، اهل‌الملاء صمری، خیّام، شوپنهاور و...^(۱) هدف زندگی را در تزکیه نفس از راه خوارداشتن و تحمل سختی‌ها می‌دانند و بسیاری از لذت‌های عالم طبیعت چون ازدواج، مسکن، لباس، غذای لذیذ و... را ممنوع دانسته از آنها استفاده نمی‌کنند.

در مقابل، مکتب لذت‌گرایی و لذت‌پرستی، هدف زندگی را پرورش لذایذ و حداکثر بهره‌مندی از آنها می‌داند؛ اما پوچ‌گرایان و نیهیلیست‌ها مانند کافکا، آلبر کاموا، سارتر و صادق هدایت به کلی منکر فلسفه و هدف زندگی هستند. زندگی را پوچ و بی‌معنا می‌دانند و نسبت به زندگی و حیات

طبیعی نفرت دارند. زیبایی‌ها و زشتی‌ها را بی‌اساس می‌دانند و بر این باورند که بایستگی‌ها، شایستگی‌ها و ارزش‌ها واقعیت ندارند و عظمت‌ها و پستی‌ها با هم خلط شده‌اند. این گروه در وجود خود شک و تردید دارند و در حالت مبارزه با خویش‌اند و تنها راه نجات از چنین حالتی را خودکشی می‌دانند و تنها استدلالشان برای پوچ بودن در زندگی انسان و جهان عبارت است:

«انسان و جهان هم قابل درک است و هم قابل درک نیست. قابل درک است زیرا بدون درک، حکم به پوچی آن نمی‌توان کرد و قابل درک نیست زیرا تصور، علم و حکم همه و همه اینها پوچ است»^(۲).

در نقد این استدلال می‌توان گفت: اگر حکم به پوچی همه چیز صادر کنند می‌بایست حکم به پوچی ادراک و

۱. نگ: عبدالله نصری، فلسفه آفرینش، ص ۱۸۳-۱۷۵.

۲. نگ: محمدتقی جعفری، فلسفه و هدف زندگی.

۳. «و ما خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُمَا لِأَعْبَادٍ * لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَوًا لَاتَّخَذْتَهُ مِنْ لَدُنَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَالِغِينَ^(۴)».

«و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم، اگر می‌خواستیم بازیچه‌ای بگیریم قطعاً آن را از پیش خود اختیار می‌کردیم».

فلسفه در آموزه‌های قرآنی، عبادات، هدایت، شکر و شکرایی هستند؛ ولی بر اساس جهان بینی قرآن، هر حرکت و عمل بشری به اندازه قرب رزق و بر اساس ارزش‌ها و تکالیف الهی باشد، آن عمل و حرکت عبادت محسوب می‌شود.

کلمه «لأعباد» مشتق از «لعب» است و لعب به معنای بازی و سرگرمی است. لعب به معنای عملی است که هدف و غرض عقلانی نداشته باشد،

اندیشه‌های خودشان نیز کرد و در نتیجه نمی‌توانند کوچک‌ترین عقیده و حکمی را درباره جهان و انسان ابراز کنند^(۱).

هدفمندی آفرینش از دیدگاه قرآن از دیدگاه قرآن و آموزه‌های دینی، آفرینش انسان و جهان هدفمند است. آیات و روایات در این مورد به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف آیات و روایاتی که به اصل هدفمندی آفرینش انسان و جهان اشاره دارند:

۱. «و ما خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُمَا بَإِطْرَافٍ * لَعَلَّ الَّذِينَ كَفَرُوا^(۲)».

«و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم! این، گمان کسانی است که کافر شده‌اند».

۲. «و ما خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ^(۳)».

«و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریدیم».

۱. همان.

۲. احقاف: ۳.

۳. سوره ص، آیه ۲۷.

۴. انبیاء: ۱۷-۱۶.

بلکه غرض از آن یک غرض خیالی و وهمی باشد؛ مانند بازی کودکان که چیزی را می سازند و سپس خراب می کنند. خداوند، عالم را به وجود نیاورد تا پس از مدتی آن را از میان ببرد. مبدأ وجود، جهان را برای نیل به غایت و هدف حقیقی خلق کرده است و جهان به سوی آن هدف در حرکت است.

۴. «وَحَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ»: «آسمانها و زمین را به حق آفرید».

۵. «وَأَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ (۱)»

«آیا با خود نمی اندیشند که خدا آسمانها و زمین و آنچه را که در میان آنهاست به جز حق نیافریده است».

۶. «وَحَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيْرُ (۲)»

«آسمانها و زمین را به حق آفرید و شما را صورت گری کرد و صورت هایتان را زیبا کرد و بازگشت به سوی اوست».

علامه طباطبایی رحمته الله می نویسد:

«منظور از حق، معنایی خلاف معنای «باطل» است و باطل این است که آسمانها و زمین را بدون هدفی و غرض ثابتی خلق کرده باشد (۳)».

۷. «وَأَفْصَحَ لَكُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ حَيَاتًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (۴)»

«آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما بازگشت نمی کنید».

۸. «أَيُخَسِبُ الْإِنْسَانُ أَن يَشْكُرَ شَيْئًا (۵)»

«آیا انسان گمان می کند که او را به حال خود رها کرده ایم».

ب. آیات و روایاتی که اهداف و غایت آفرینش را مشخص می کنند. و این اهداف عبارتند از:

الف. عبادات:

بر اساس آیات و روایات

۱. روم: ۸
۲. تفاین: ۳
۳. تفسیر المیزان، ج ۲۸، ص ۲۸
۴. مؤمنون: ۱۵۵
۵. قیامت: ۳۶

متعددی، هدف از آفرینش انسان، عبادت است:

۱. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۱)»

«جن و انس را نیافریدم مگر برای آن که مرا عبادت کنند».

عبادت در لغت به معنای افتادگی و ذلت و در اصطلاح به معنی مراقبت بر افعال و اوامری است که خداوند فرمان داده است. در ارزش و اهمیت عبادت همین بس که خدای تعالی در قرآن مسجد، عبادت و بندگی در برابر پروردگار متعال را مایه پرهیزگاری و نزدیکی به ذات اقدس الهی دانسته است.

۲. «وَمَا أَلْمَأْنَا النَّاسَ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲)»

«ای مردم پروردگارتان را که شما و پیشینیان را آفریده، بپرستید، شاید که باهوا شوید».

البسته در آموزه های قرآن،

عبادات، شناخته شده و مشخص هستند؛ ولی بر اساس جهان بینی قرآن، هر حرکت و عمل مثبتی به انگیزه قرب ربوبی و بر اساس ارزشها و تکالیف الهی باشد، آن عمل و حرکت، عبادت محسوب می شود. بسیاری از خدمات اجتماعی و مشاغل، عبادت شمرده

در واقع اگر انسان به مرحله ای از زندگی برسد که همه کارها و اعمال و رفتار انسان، حتی غذا خوردن، خوابیدن، زنده ماندن و مردنش همه و همه برای خدا باشند؛ به هدف آفرینش رسیده است.

می شوند. کشاورزی که با دستهای پینه بسته خود در نیمه های شب برای امرار معاش خود و خانواده اش به آبیاری باغ و بستانها می پردازد؛ کارگری که از صبح تا شام در کنار صداهای سرسام آور ماشین آلات مشغول کار، و

۱. ذاریات: ۵۶
۲. بقره: ۲۱

پزشکی که در اتاق جراحی تمام اندیشه‌ها و افکار خود را برای نجات یک انسان متمرکز ساخته؛ استادی که در دل شب به مطالعه و تحقیق می‌پردازد تا گرهی از مشکلات فکری بشر را بگشاید... همه و همه مادامی که در جهت خدا و به نیت و قصد الهی که نتیجه و ثمره‌اش مردمی است می‌کوشند، هر آن و لحظه، در حال عبادت به سر می‌برند.

در واقع اگر انسان به مرحله‌ای از زندگی برسد که همه کارها و اعمال و رفتار انسان؛ حتی غذا خوردن، خوابیدن، زنده ماندن و مردنش - همه و همه - برای خدا باشد؛ به هدف آفرینش رسیده است.

۳. «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^(۱).

«بگو! نماز و همه عبادات من و زندگی و مرگ من - همه - برای خداوند پروردگار جهانیان است.»

علامه محمدتقی جعفری

می‌نویسد:

«باید دانست که منظور از عبادت، حرکات، سکناات و سخن‌های محدود هنگام برقرار ساختن ارتباط با خدا نیست. زیرا تمام اجزای هستی از پست‌ترین جزء ماده تا عالی‌ترین جلوه‌های عظمت او - همه و همه - در حال عبادت‌اند.»

«وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا»^(۲).

«هرچه در آسمان‌ها و زمین است اختیاراً و یا به اکراه خدا را سجده می‌کنند.»

«يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»^(۳).

«هر آن چیز که در آسمان‌ها و زمین است خدا را تسبیح می‌گویند.»

«وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»^(۴).

«و هیچ چیزی وجود ندارد مگر این‌که خدا را حمد و ستایش می‌گوید ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید.»

۱. انعام: ۱۶۲.
۲. رعد: ۱۵.
۳. جمعه: ۱.
۴. اسراء: ۲۴.

و اگر کسی بداند که دستگاه طبیعت برای او گهواره‌ای است که او را به حرکت در می‌آورد و شیرش می‌دهد تا بزرگ شود، همین دستگاه برای وی دبستان، دبیرستان، دانشگاه و آزمایشگاهی است که گنج‌های نهفته روانی او را به ظهور می‌رساند. و هر انسانی اگر بداند که دستگاه طبیعت تا عالی‌ترین دانشگاه و آزمایشگاه آن، عبادت‌گاهی است که او را در مدار حقیقت جهان هستی و در مسیر «إِنَّا لَهِوَ إِنَّا إِلَهِهِ رَاغِبُونَ» به حرکت وامی‌دارد، هیچ‌گاه دست از عبادت نمی‌کشد و تنها و تنها او را عبادت می‌کند.

ثمره چنین عبادتی، بندگی و عبودیت است که از خشوع و خضوع ظاهری شروع و به مراتب نهایی آن که قرب به پروردگار است، ختم می‌گردد و کمیّت و کیفیت خاصی را دارد.

به رسیدن به رحمت الهی

از برخی آیات استفاده می‌شود که هدف

از خلقت این بوده که رحمت پروردگار موجودات برسد.
«...وَلَا يَزَالُونَ سُخَّرَاتِهِمْ مِنْ رَحْمَتِهِمْ»^(۱).
«...در حالی که پیوسته در اختلاف‌اند، مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است.»

مراد از رحمت الهی، همان هدایت الهی است که از طریق عقل، راهنمایی پیامبران و کتاب‌های آسمانی شامل حال همه مردم شده است و هر کس از این رحمت استفاده کند به سعادت می‌رسد و در غیر این صورت فرمان الهی بر آن است که جهنم را از سرکشان پر کند.

ج. خلافت الهی

از برخی دیگر آیات قرآنی استفاده می‌شود که هدف از خلقت انسان، خلافت الهی و جانشینی خدا است.

۱. هود: ۱۱۸-۱۱۹.

«و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً^(۱)».

«به خاطر بسپارم) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشین قرار خواهم داد».

منظور از جانشین خدا این است که خداوند پرتوی از صفات خود را در

درون انسان‌ها به ودیعه نهاده است که اگر این استعدادها به فعلیت برسند، انسان به والاترین مراحل کمال دست خواهد یافت.

د کمال و قرب الهی

هدف اصلی آفرینش هر

موجودی این است که به بیشترین حد کمالی که می‌تواند برسد. خداوند موجودات را نه تنها می‌آفریند بلکه آنها را در مسیر رسیدن به کمال نیز هدایت می‌کند:

«قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى^(۲)».

«(موسی به فرعون) گفت: پروردگار ما

کسی است که هر چیزی را خلقی که در خورش اوست داده سپس آن را هدایت فرموده است».

«کمال» واژه محبوب برای همه انسان‌هاست و هر انسانی فطرتاً کمال‌جو و کمال‌خواه است؛ با این تفاوت که در حقیقت و مصداق آن اختلاف دارند.

هر انسانی اگر بداند که دستگاه طبیعت بنا به‌سالی‌ترین دانشگاه و آزمایشگاه آن، عبادت‌گامی است که او را در مدار حقیقت جهان هستی و در مسیر «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» به حرکت وامی‌دارد، هیچ‌گاه دست از عبادت نمی‌کشد و تنها و تنها او را عبادت می‌کند.

برخی کمال را در پُست و مقام، عده‌ای در قدرت، گروهی در ثروت و بعضی دیگر در علم و حکمت و... می‌دانند. ولی از نظر آموزه‌های قرآنی و سخنان پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام)، کمال، رسیدن به مرتبه قرب الهی و لقاءالله

۱. بقره: ۳۰. ۲. طه: ۵۰.

معرفی شده است. در صورتی که انسان‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

- ۱. اصحاب یمین
- ۲. اصحاب شمال
- ۳. اصحاب مقرب

بالاترین و برترین انسان‌ها از لحاظ کمال، اصحاب مقرب‌اند و اصحاب یمین با همه عظمتی که دارند، در مرتبه پایین‌تر از مقربین هستند. در اینجا است که رسول خدا ﷺ درباره سلمان فارسی فرمود:

«إِنَّ الْجَنَّةَ لَأَعَشَقُّ سَلْمَانَ مِنْ سَلْمَانَ لِلْجَنَّةِ».

عشق و خواججه و انجام می‌نویسد:

«بهشت برای اصحاب یمین، کمال است؛ ولی مقربین، کمال بهشت‌اند».

از نظر قرآن مجید، کمال انسان به معنای رشد و استکمال نفسانی است. قرآن ابزار و راه‌های این تکامل را به صورت برنامه‌های شناختی و عمومی بیان کرده است.

قال علي عليه السلام: «الطَّمَأِينَةُ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ قَبْلَ الْإِخْتِبَارِ مِنْ قُصُورِ الْعَقْلِ».

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «پیش از آزمایش، اعتماد و اطمینان به هرکس ناشی از نارسایی عقل و کوتاهی خرد است».

(عُرُزُ الْحِكْمِ، ص ۸۶).